



# بررسی راهکارهای ترویج فرهنگ مطالعه و کتابخوانی

■ نویسنده: مهدی همائی  
حسین اشرفی‌ریزی

## مقدمه

داشتن علم و آگاهی به خود و محیط اطراف خویش از ویژگی‌های مهم انسانی است که او را از سایر موجودات اطراف خویش جدا می‌کند. تا آنجا که خود را در میان آنها غریبه و بیگانه می‌یابد. اهمیت این صفت به حدی است که بسیاری از انسان‌شناسان او را موجودی «جست‌وجوگر» تعریف کرده‌اند.

از منظر فلسفی «حقیقت‌جویی» را با خمیر و سرشت انسان عجین دانسته‌اند؛ یعنی او را فطرتاً حقیقت‌جو می‌دانند. روانشناسان جدید این حس را در نیاز بنیادی‌تر و عمیق‌تر «خودشکوفایی» می‌بینند که انسان با به فعلیت درآوردن استعدادهای بالقوه خود، دامنه هستی و وجود خویش را می‌گستراند و وسیع‌تر می‌کند. ذهن خلاق بشر از زمان‌های دور همواره در پی این بوده است که پاسخی برای پرسش‌های خود بیابد، ناشناخته‌ها را مورد

شناسایی قرار دهد و بنیان‌های زندگی فردی و اجتماعی خود را بر یافته‌های علمی هموار سازد. به همین دلیل روحیه پژوهش، مطالعه و کنکاش علمی در زمینه‌های مختلف با انسان آمیخته بوده و با پیشرفت و تکامل حیات اجتماعی و گسترش علوم و فنون عجین شده است (۶: ص ۴۳۸). شناخت ویژگی‌ها، توانایی‌ها، نیازها و علاقه‌های کودکان و نوجوانان، این وظیفه را متوجه مربیان، والدین، هنرمندان و کتابداران می‌کند تا بکوشند آنچه در توان دارند در خدمت فراهم کردن شرایط مساعدی قرار دهند که فرایند رشد کودکان و نوجوانان را تسهیل کند. شکی نیست که یکی از مهم‌ترین این شرایط، ایجاد عادت‌هایی است که کودک نوجوان را به سمت شناخت و آگاهی هدایت کند. ایجاد عادت به مطالعه، یکی از عادت‌های پسندیده است. او نیازمند این است که خود را بهتر بشناسد، به قابلیت خود پی ببرد، دایره شناخت خود را از محیط بالا ببرد و با روابط انسانی بهتر آشنا شود. پس تلاش برای ایجاد عادت به مطالعه باید از اولویت‌های کارگزاران فرهنگی باشد. اما نقطه آغاز مطالعه کجاست؟

کتاب و کتابخوانی و میزان گرایش به مطالعه، امروزه یکی از شاخص‌های توسعه به‌شمار می‌رود. بررسی‌ها نشان می‌دهد مطالعه و کتابخوانی وضعیت مطلوبی در ایران ندارد و عمدتاً مردم ایران از خرید و یا مطالعه کتاب گریزانند و اقدامات لازم و جدی جهت ترویج و اشاعه فرهنگ مطالعه صورت نگرفته است.

برای رفع موانع و ایجاد زمینه و بستر لازم جهت ترویج و توسعه فرهنگ مطالعه، نهادهای مختلف در ۵ بخش، شامل خانواده، مدارس و نظام آموزشی، کتابداران و کتابخانه‌ها، دولت و رسانه‌های

### بررسی‌ها نشان می‌دهد مطالعه و کتابخوانی وضعیت مطلوبی در ایران ندارد و عمدتاً مردم ایران از خرید و یا مطالعه کتاب گریزانند و اقدامات لازم و جدی جهت ترویج و اشاعه فرهنگ مطالعه صورت نگرفته است.

گروهی و ناشران و کتاب‌فروشی‌ها، باید با رفع مشکلات موجود، هم‌سو و هم‌هدف، به سمت مشخصی حرکت کنند.

#### **نقش خانواده**

خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که هم در بودن و هم در شدن کودکان نقش اساسی دارد و همه فعالیت‌های تربیتی از خانواده شروع می‌شود (۵: ص ۲۸۰). محیط و شرایط خانواده و روش تربیتی و آموزش والدین نقش بسزایی در انس کودک با کتاب دارد. کودکی که با کتاب آشنا می‌شود برای همیشه از همتشینی و دوستی با کتاب لذت خواهد برد. کودک تخیلات شیرین و بلندپروازانه خود را با مطالب و قصه‌های درون کتاب پیوند می‌دهد و ناخودآگاه روح و روان کودکانه خود را تغذیه می‌کند. در واقع کتاب هم به کسب اطلاعات از دنیای پیرامون کودک منجر می‌شود و وی را به تجزیه و تحلیل مسائل و می‌دارد و هم در رشد و شخصیت و تکامل روحی و روانی او تأثیر بسزایی دارد (۲: ص ۸۰). نقش خانواده در ایجاد عادت به مطالعه از گهواره آغاز می‌شود و لایه‌ها اولین پیونددهنده کودک با ادبیات به‌شمار می‌آید. این اشعار ساده که گاهی حتی کلام آن با کودک هیچ رابطه‌ای ندارد هم احساس امنیت را به او انتقال می‌دهد و هم زمینه‌ساز اولین

ارتباط‌های انسانی است.

قصه‌گویی می‌تواند وسیله‌ای برای خلق لحظات لذت‌بخش باشد و هم کودک را در بخشی از میراث ادبی سرزمینش سهیم کند. داستان‌خوانی یکی دیگر از روش‌هایی است که کودکان را قبل از ورود به مدرسه با خواندن تصاویر آشنا می‌کند و سبب ایجاد تجربه‌های مشترک بین آنها و بزرگسالان می‌شود که یکی از مهم‌ترین تبعات اجتماعی آن نزدیک کردن اعضای خانواده به یکدیگر است. بردن کودکان به نمایشگاه‌ها و فروشگاه‌های کتاب را نیز می‌توان در دستور کار قرار داد تا کودکان فرصت یابند در میان کتاب‌های متنوع سیر کنند. همچنین بردن و عضو کردن کودکان در کتابخانه‌های عمومی نیز می‌تواند به روند رشد مطالعه در کودکان کمک کند (۵: ص ۲۸-۳۰). عادت به مطالعه یک امر اکتسابی است و کودک این را از والدین خود می‌آموزد. بی‌شک در خانواده‌هایی که پدر و مادر اهل کتاب و مطالعه‌اند، فرزندان نیز افرادی علاقه‌مند به مطالعه بار خواهند آمد، ولی در خانواده‌هایی که هیچ توجهی به کتاب نمی‌شود، نباید انتظار داشت که فرزندان اهل مطالعه و کتاب باشند.

خانواده عامل بسیار مؤثری در ایجاد عادت به مطالعه و ترویج فرهنگ کتابخوانی است. محیط و شرایط خانواده، روش تربیتی و آموزشی والدین، طرز تفکر و نگرش والدین در رابطه با مطالعه و کتابخوانی، وجود کتب و نشریات قابل‌دسترس و همچنین سطح اقتصادی و پایگاه اجتماعی خانواده، نقش بسزایی در تقویت عادات مطالعه و کتابخوانی دارد.

کشور ما از سالیان دور کشوری با قدمت فرهنگی بالا بوده و نویسندگان و شاعران درخشانی داشته است ولی متأسفانه سرانه مطالعه و کتابخوانی، زینده مردم

ما نیست. همین که آمار دقیق از میزان مطالعه مردم موجود نیست، خود نشانی از مهجوریت کتاب و کتابخوانی در جامعه ما می‌باشد. در ریشه‌یابی این معضل باید از کودکی شروع کنیم. اولین نهادی که در آن، کودک با کتاب و کتابخوانی، انس می‌گیرد، خانواده است. پدر و مادر، بهترین معلم کودک هستند که باید شوق مطالعه را در او تقویت کنند. همچنین در منازل باید محلی اختصاصی برای کتابخانه در نظر گرفته شود.

اگر والدین و افراد بزرگتر خانواده به مطالعه علاقه‌مند باشند، فرزندان آنها نیز، که همواره از اثرات طبیعی روابط عمیق عاطفی حاکم در خانواده‌های ایرانی برخوردار هستند، با کتاب، بیشتر و بهتر آشنا شده و به مطالعه و کتابخوانی، عادت می‌کنند.

#### نقش مدارس و نظام آموزشی

مدرسه دومین جایگاه تربیتی انسان است که کودک اصول و قواعد خواندن و نوشتن را فرا می‌گیرد و می‌آموزد که بدون کمک والدین و معلمان خود مطالب کتاب را بخواند و بفهمد. کودک به دلیل همین تحول بزرگی که در خود احساس می‌کند، اشتیاق فراوانی به مطالعه دارد و هر لحظه می‌خواهد بیشتر با دنیای پررمز و راز درون کتاب‌ها آشنا شود. برای بسیاری از کودکان، مدرسه اولین مکانی است که آنها را با خواندن و مواد مکتوب آشنا می‌کند، زیرا یا به دلیل بی‌سوادی پدران و مادران و یا به سبب عدم عادت به مطالعه آنان، کودکان فرصت تجربه‌های مفید خواندن در خانواده‌ها را نمی‌یابند. لذا مهم‌ترین وظیفه مدرسه طراحی و پیاده‌کردن برنامه‌های آموزشی و پرورشی مدونی است که متناسب با هر مقطع سنی و هر پایه درسی کسب شده، به دنبال کردن علایق خود در کتاب‌های غیردرسی تشویق کند. شکل‌گیری عادت به مطالعه در مدرسه و گسترش آن به نگاه نظام آموزشی به مقوله آموزش و پرورش بستگی دارد.

نظام آموزش و پرورش در کشورهای جنوب و از جمله کشور ما، نظامی غیرپویا

و تک‌محور است. نظام تک‌محور، نظامی است که براساس یک کتاب و یک جزوه درسی شکل می‌گیرد و معلم و دانش‌آموز خود را از هرگونه مراجعه به دیگر منابع اطلاعاتی بی‌نیاز می‌داند. نظامی که ساختار متون درسی آن درون‌زا نیست و همین باعث می‌شود که دانش‌آموز از خواندن آن احساس لذت نکند و از ادامه راه باز ماند. در این نظام نگاه دانش‌آموز و حتی دانشجو از خواندن رفع تکلیف است، به بیان دیگر در نظام مدارس نگرش به کتاب و مراجعه به آن با انگیزه «وظیفه‌مندی» انجام می‌شود. در چنین نظامی که اصولاً خواندن فراتر از کتاب‌های درسی نه توصیه شده و نه راهکارهای آن پیش‌بینی شده، لذا نهادی به نام کتابخانه آموزشی و شخصی چون کتابدار که مسئولیت اداره برنامه‌های خواندن را در مدرسه به عهده دارد شکل نمی‌گیرد. بدین ترتیب هرگاه هم شالوده خواندن قبلاً در خانواده شکل گرفته باشد، خواندن تداوم نمی‌یابد. به دلیل عدم پویایی نظام آموزشی، موانع جدی هم بر سر راه این تداوم خواندن ایجاد می‌شود؛ زیرا در چنین نظامی معلم و دانش‌آموز بی‌نیاز از منابع گسترده علوم و معارف بشری هستند، اما در شرایطی که نظام آموزشی دانش‌آموز محور باشد و کتاب درسی نقطه شروع فعالیت آموزشی معلم و دانش‌آموز تلقی شود و هیچ فعالیت آموزشی و پرورشی بدون بهره‌گیری از سایر منابع دانش بشری امکان‌پذیر نباشد و به جای روش‌های مکانیکی متکی بر حافظه از روش‌های بینشی مبتنی بر تجزیه و تحلیل استفاده شود و ملاک ارزشیابی، پیشرفت‌های فردی دانش‌آموز باشد، آنگاه کتابخانه با رسالت بارور کردن روند آموزش پا به عرصه وجود می‌گذارد، در آن صورت کتابخانه «قلب آموزش و پرورش» تلقی می‌شود و همه فعالیت‌های جاری و ساری آتی یک مدرسه در کتابخانه آن سازماندهی می‌شود و کتابدار و معلم به‌طور مشترک برنامه‌های آموزشی

و پرورشی را با اتکا به منابع موجود ترتیب می‌دهند. به این ترتیب است که «کتابخانه مدرسه، دستگاه حرارت مرکزی و روح مدرسه می‌شود». در این نظام، یادگیری، مبتنی بر منابع اطلاعاتی واقعی است، یادگیری دوسویه و مکمل است، یادگیری مبتنی بر فناوری‌های جدید و روزآمد است و یادگیری مشارکتی است. یادگیری مشارکتی بدین معناست که دانش‌آموزان به‌طور مستقیم و با همدیگر و همراه معلمان و کتابداران در پژوهش، یادگیری، مهارت‌های آموزشی، طراحی و تجدیدنظر دوره‌های آموزشی همکاری و مساعدت می‌کنند. یادگیری مشارکتی، یک روش سودمند است؛ زیرا برنامه‌ریزی می‌کند که چگونه دانش تولید و خلق شده و چگونه رشد و نمو پیدا می‌کند.

پس از خانواده، دشوارترین وظیفه در اشاعه کتابخوانی در هر جامعه‌ای بر عهده مدارس و نظام آموزش و پرورش آن جامعه است. اگر دانش‌آموز در مدرسه با کتاب آشنا شده و لذت مطالعه، خودآموزی و افزایش معلومات عمومی را درک کند و به مطالعه خو بگیرد، در تمام دوران زندگی، از کتاب دست نمی‌کشد.

آموزش و پرورش، چون آبی است که در سد ذهنی ما جمع می‌شود و بهره‌برداری از این سد (ذهن ما) را، مهیا می‌کند. ما باید علاوه بر سیستم آموزشی، به‌صورت فوق برنامه، با به‌کارگیری شیوه‌های نوین آموزشی، روند خلاقیت و نوآوری در امر مطالعه را به دانش‌آموزان بیاموزیم. با تربیت مربیان مجرب و مسلط به مقوله کتاب و کتابخوانی، می‌توانیم افراد را تشویق به خواندن کتاب‌های سودمند کنیم و ذائقه کتابخوان‌های جدیدمان را ارتقاء دهیم. البته پایه‌گذاری این حرکت، باید از مدیریت کلان کشور شروع شود. مدیران ارشد ما در امر آموزش باید از مشاورین فرهنگی و هنری در جهت بررسی علمی و اصولی این موضوع استفاده کنند.

در نظام آموزشی، سه کارکرد مهم،

نقش اساسی دارند؛ خواندن، نوشتن و حساب کردن. در طول دوران آموزش، فرد تحت آموزش، از سال‌های اول، توانایی خواندن را می‌آموزد و در ادامه، به درک مطالب خوانده‌شده و در نهایت به نوشتن، می‌رسد.

تأکید بیش از حد آموزگاران بر روی مهارت خواندن و استفاده از تک‌منبع‌ها، سبب شده که دانش‌آموزان از مطالعه، لذت کافی نبرند و آن را بیشتر برای رفع تکلیف انجام دهند. یکی از کمترین نمرات ایران، در آزمون سنجش سواد خواندن در سطح بین‌المللی، همین لذت‌نبردن افراد از مطالعه خویش است. برای رفع این مشکل، باید به تقویت کتابخانه‌های مدارس و از طرفی هم استفاده از منابع مختلف در نظام آموزشی بپردازیم. کمبودهای اقتصادی و توزیع ناعادلانه کتاب‌ها، سبب ضعف کتابخانه‌های مدارس شده است. از طرفی هم منابع به جهت کنترلی‌بودن نظام آموزشی ما، محدود می‌باشند.

نظام آموزشی در کشورهایی نظیر ایران، نظامی غیرپویا و تک‌محور است. نظامی که براساس یک کتاب و یک جزوه درسی شکل گرفته، نمی‌تواند دانش‌آموز را به سوی منابع غیردرسی و دیگر منابع اطلاعاتی رهنمون سازد. اگر نظام متکی بر پرسشگری و خلاقیت باشد، خود به خود، زمینه‌ساز و بسترساز مطالعه می‌شود. در این میان نقش و جایگاه معلم در اشاعه فرهنگ مطالعه را نباید نادیده گرفت. روش‌های تدریس، شیوه نگارش و رفتار توجه‌آمیز معلمان به کتاب و کتابخوانی، در ایجاد آمادگی ذهنی و انگیزه مطالعه در دانش‌آموزان مؤثر است. اگر معلمان و دبیران مدارس، خودشان اهل مطالعه باشند، دانش‌آموزان را نیز به شیوه‌های مختلف با کتاب و مطالعه آشنا می‌سازند.

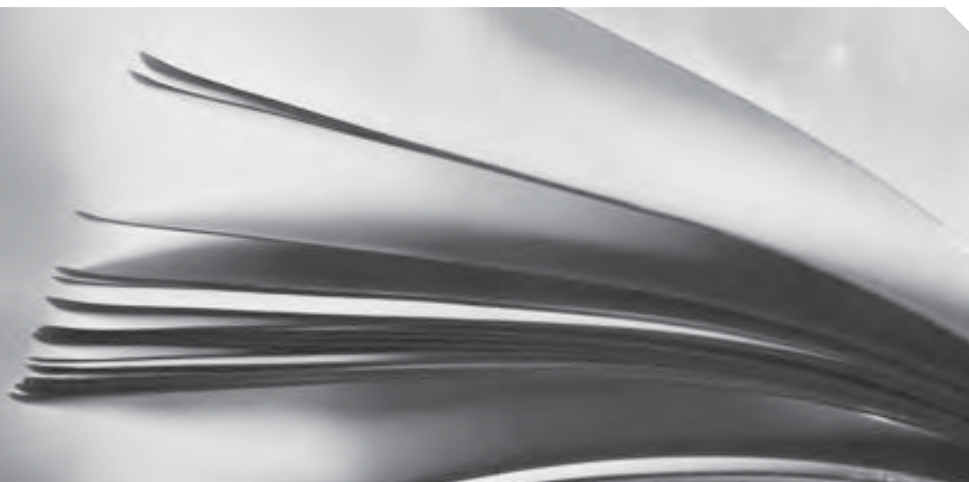
روش‌های تدریس جذاب‌تر، دانش‌آموزان را بیشتر به مطالعه علاقمند می‌کند. روش‌هایی چون بازدید دانش‌آموزان از کتابخانه‌های عمومی شهر، گرفتن آمار

کتاب‌ها به‌عنوان کار عملی از مراکز فروش کتاب در سطح شهر، آزادگذاشتن دانش‌آموزان در انتخاب منبع برای انجام تحقیق و کار کلاسی، در دسترس قرار دادن کتابخانه‌های مدارس با طرح کتابخانه‌های آزاد (بدون حضور مسئول و ناظر که امکان دسترسی هر فرد به کتاب‌ها و انتقال آن به بیرون از محیط کتابخانه بدون ثبت کتاب، وجود داشته باشد)، آموزشی نمودن فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی برای ترغیب مطالعه بیشتر، کرایه‌دادن کتاب‌ها به شیوه سال‌های دور و یا فروش آنها به صورت قسطی، بسیار مفید و کارساز خواهند بود. این روش‌ها می‌توانند مطالعه را در سه بخش دیداری، شنیداری و مکتوب تقویت کنند.

از نظر کارشناسان برای بهبود نابسامانی‌های موجود در نظام آموزشی و گسترش فرهنگ مطالعه می‌توان راهکارهای زیر را لحاظ کرد: غنی کردن کتابخانه‌های مدارس، تشویق دانش‌آموزان به مطالعه توسط معلمان و کارکنان مدارس،

برگزاری جلسات نقد و بررسی کتاب در کلاس‌های درس، معرفی کتاب‌های مناسب در تابلو اعلانات و مراسم صبحگاه مدارس، اهدای کتاب به دانش‌آموزان به‌عنوان جایزه، دعوت از نویسندگان و اهل قلم جهت ایراد سخنرانی در مدارس، اجرای مسابقات کتابخوانی به مناسبت‌های مختلف، اعطای بن خرید کتاب به دانش‌آموزان، گنجاندن درس مطالعه و کتابخوانی در برنامه درسی مقاطع مختلف تحصیلی، ایجاد و توسعه رشته‌های تربیت معلمی کتابداران جهت اداره مطلوب کتابخانه‌های آموزشگاهی، معرفی و تقدیر از اعضای فعال کتابخانه‌های مدارس، تشکیل گروه‌های مطالعه دانش‌آموزی برحسب علاقه آنان به موضوعات مختلف، پیوند دادن موضوع مطالعه و کتابخوانی با درس انشاء، قراردادن میزان توسعه و رشد کتابخانه‌های مدارس و مطالعه بین دانش‌آموزان به‌عنوان شاخص‌های ارزیابی مدیران مدارس و ارائه آموزش‌های لازم در امر مطالعه به معلمان و دبیران.

**کتابخانه‌های عمومی اگر جایگاه واقعی خود را بیابند و امکانات لازم و گستردگی متناسب با رشد جمعیت را به دست آورند، جامعه مخاطب آنها از حیث تاریخی و اجتماعی در مکانی از بلوغ و قدرت‌گزینش قرار می‌گیرد که نه تنها برآورنده نیاز اطلاعاتی هر متقاضی و زمینه‌ساز رویکرد مردم به سوی مطالعه و کتابخوانی است، بلکه می‌تواند به‌عنوان پشتیبان امر تحقیقات در کشور و ضمانتی مطمئن برای سلامت جامعه باشد.**





### نقش کتابداران و کتابخانه‌ها

از نظر ایفلا (مؤسسه بین‌المللی انجمن‌ها و مؤسسات کتابداری)، کتابخانه عمومی، پدیده گسترده جهانی است و در جوامع و فرهنگ‌های مختلف و در مراحل متفاوت توسعه یافت می‌شود. این کتابخانه‌ها دسترسی به دانش و اطلاعات و آثار خیالی را از طریق گروه وسیعی از منابع و خدمات فراهم می‌کنند و برای همه افراد بدون توجه به نژاد، ملیت، سن، جنس، مذهب، زبان، وضعیت جسمی و معیشتی و ... در دسترس هستند و اهدافی چون حمایت از آموزش رسمی و غیررسمی، اطلاع‌رسانی و پرورش رشد فردی را برعهده دارند. کتابخانه‌های عمومی از طریق خدمات ویژه خود، مطالعه در جوامع را تشویق و ترغیب می‌کنند و در واقع افراد بیگانه با کتاب را به افرادی کتابخوان تبدیل می‌کنند. جوامع به لحاظ جمعیتی دارای افرادی با نیازهای مختلف هستند، عدالت ایجاد می‌کند که همه افراد در همه سنین (کودک، نوجوان، جوان، بزرگسال) و در شرایط جسمی و ذهنی مختلف (مانند معلولین) و همچنین گروه‌های قومی، نژادی، زبانی و ... به منابع اطلاعاتی دسترسی داشته باشند. کتابخانه‌های عمومی سابقه درازمدتی در خدمت به کودکان دارند و در برآوردن نیازهای مطالعه‌ای کودکان با نیروهای موجود در خانواده‌ها و مدارس متحد شده و همراه با آنها به صورت یکی از قسمت‌های مهم جامعه درآمده‌اند. کتابخانه‌های عمومی با فراهم کردن گروه وسیعی از مواد و فعالیت‌ها، فرصت‌هایی برای کودکان فراهم می‌آورند تا لذت خواندن و هیجان ناشی از

کشف دانش و آثار تخیلی را تجربه کنند. کودکان و والدین آنها باید یاد بگیرند که چگونه بهترین استفاده از کتابخانه کرده و چگونه مسئولیت ویژه‌ای برای حمایت از فرایند یادگیری برای خواندن داشته باشند. در فرانسه کتابخانه‌های عمومی در مناطق مختلف با مؤسسه‌های بهداشتی برای رفع نیازهای این کتابخانه به والدین کمک می‌کنند تا از اوایل تولد تا ۳ سالگی بلندخواندن را برای بچه‌ها تشویق کنند و آنها را به بازدید از کتابخانه‌های عمومی ترغیب کنند. گروه دیگری که کتابخانه‌های عمومی موظف به خدمات‌رسانی به آنها هستند، زندانیان می‌باشند. ماده ۴۰ قوانین استاندارد سازمان ملل درباره چگونگی رفتار با زندانیان در خصوص ضرورت تأمین کتابخانه برای زندانیان صراحت دارد: «زندان‌ها موظف‌اند برای زندانیان، از هر نسخ و رده‌ای که باشند، کتابخانه‌ای تدارک ببینند که حاوی مجموعه‌ای مناسب از کتاب‌های سرگرم‌کننده و آموزشی باشند، و زندانیان را تشویق کنند که از آن به‌طور کامل استفاده نمایند». براین اساس، زندانیان نیز مانند دیگر شهروندان حق دسترسی به اطلاعات و در نتیجه دسترسی به تمام تسهیلات کتابخانه‌ای را دارند و این وظیفه برعهده کتابخانه‌های زندان و کتابخانه‌های عمومی است. علاوه بر کودکان و زندانیان، اقشار دیگر جامعه مانند نوجوانان و جوانان، نوسوادان، مناطق دور دست (استفاده از کتابخانه‌های سیار)، معلولان (شنوایی، بینایی، کلامی، جسمی، ذهنی و فکری)، سالمندان (سالمندان خانه‌های مسکونی، آسایشگاه‌های سالمندان، زمینگیران و

خانه‌نشینان) بیماران بیمارستان‌ها و مراکز درمانی (بیماران بیمارستان، آسایشگاه‌ها و مراکز درمانی معلولان و جانبازان جنگ تحمیلی)، مراکز بازپروری و ترک اعتیاد باید در معرض خدمات و تسهیلات کتابخانه‌های عمومی قرار گیرند. بی‌شک هر رسانه‌ای دریچه‌ای جدید به روی انسان باز و امکان دستیابی و دسترسی به اطلاعات را گسترده‌تر می‌کند، در شرایطی که بین رسانه‌ها و محمل‌های اطلاعاتی مختلف هماهنگی وجود نداشته باشد هر رسانه ممکن است سبب به‌انزوآکشدن و طرد سایر رسانه‌های قبل از خود شود و این مطلوب نیست، زیرا انسان به همه این پنجره‌ها و چشم‌اندازهای آنها نیاز دارد و هر کدام از آنها رسالت خاص خودشان را دارند. امروزه با پیدایش رسانه‌های جدید مانند رادیو، تلویزیون، سینما، اینترنت و ... اقبال کودکان و حتی بزرگسالان به سمت کتاب و کتابخوانی کم شده و این از زاویه دید کتابداران، آموزگاران و والدین نگران‌کننده است. البته این امری طبیعی است و در ذات خود نمی‌تواند نگران‌کننده باشد. مهم این است که در برنامه استفاده کودک از این رسانه‌ها تعادل برقرار شود. برنامه‌ریزی صحیح در تلویزیون (به سبب جذابیت بیشتر) سبب می‌شود که کودکان به مطالعه روی آورند. چه بسا مشاهده شاهکارهای ادبی کودکان و نوجوانان در قالب فیلم‌های زنده و کارتون سبب می‌شود که کودکان نسبت به خود آثار کنجکاو شوند و به خواندن آنها روی بیاورند. خواننده‌شدن یک متن ادبی در یک برنامه رادیویی از طرف خواننده‌ای ماهر، لذت خوب و درست‌خواندن را با



می‌توانند عامل مؤثری در تشویق اقشار مختلف مردم به مطالعه شوند. کتابخانه‌های عمومی اگر جایگاه واقعی خود را بیابند و امکانات لازم و گستردگی متناسب با رشد جمعیت را به‌دست آورند، جامعه مخاطب آنها از حیث تاریخی و اجتماعی در مکانی از بلوغ و قدرت گزینش قرار می‌گیرد که نه تنها برآورنده نیاز اطلاعاتی هر متقاضی و زمینه‌ساز رویکرد مردم به سوی مطالعه و کتابخوانی است، بلکه می‌تواند به‌عنوان پشتیبان امر تحقیقات در کشور و ضمانتی مطمئن برای سلامت جامعه باشد.

حسین محمدی، کارشناس کتابداری و کتابدار کتابخانه عمومی سهروردی زنجان، درخصوص مشکلات و کاستی‌های کتابخانه‌ها، اذعان داشت. کتابخانه‌های عمومی به دلیل کمبودهایی که دارند، در روند ترویج مطالعه، کارایی لازم را ندارند. از این مشکلات می‌توان به بی‌توجهی به استانداردهای موجود در تهیه منابع و کتب، ضعف ارتباط با مدارس، دانشگاه‌ها، خانواده‌ها، رسانه‌ها و اقشار مختلف مردم، کمبود منابع علم و کتاب‌های مرجع روزآمد در کتابخانه‌های عمومی، عدم به‌کارگیری فنون و روش‌های عملی در جلب و جذب خوانندگان بالقوه کتاب، کمبود نیروی انسانی متخصص و کارآزموده و عدم کارایی برخی از پرسنل موجود، عدم تناسب تعداد کتابخانه‌ها با شاخص‌های رشد جمعیت، نارسایی فضا و مجموعه و عدم انسجام آنها، مجهز نبودن کتابخانه‌ها به تجهیزات لازم، دستگاه‌های تکثیر، خدمات سمعی و بصری، نداشتن کتابدار مرجع برای پاسخگویی به سؤالات علمی مراجعین، متناسب و هماهنگ نبودن

### اگر دانش‌آموز در مدرسه با کتاب آشنا شده و لذت مطالعه، خودآموزی و افزایش معلومات عمومی را درک کند و به مطالعه خو بگیرد، در تمام دوران زندگی، از کتاب دست نمی‌کشد.

کتابداران، بیشتر با افرادی سر و کار دارند که خود این افراد، عادت به مطالعه داشته و کتابخوان هستند، پس باید بتوانند با دراختیار قرار دادن منابع لازم، نیازهای این قشر را برآورده کنند. اما کمبود منابع موجود و گاه فقدان آنها، سبب می‌شود که افراد مراجعه‌کننده به کتابخانه‌ها، حضور خود را کم‌رنگ‌تر کنند و تمایل آنها به سمت منابع به‌صورت شخصی برود. از طرفی نیز، بالا رفتن تولیدات کتاب، نباید سبب گمراهی‌مان شود، زیرا بخش عظیم این تولیدات، کتاب‌های درسی و کمک‌درسی هستند. مطالعه خوب و مورد بحث در سطح جهانی، مطالعه‌ای فارغ از روابط کاری و اخبار می‌باشد و ملاک اساسی، با علاقه خواندن کتاب است.

کتابخانه‌های عمومی در صورت برخورداری از کتاب‌های مناسب و کتابداران متخصص و توجه به نیازهای مراجعین،

کودکان سهیم می‌شود، لذتی که آنها دوست دارند خود آن را نیز تجربه کنند. در یک جمع‌بندی کلی باید گفت که همه رسانه‌ها اعم از چاپی (کتاب، روزنامه، مجله) و صوتی و تصویری (سینما، رادیو، تلویزیون و...) اگر در یک هماهنگی کامل عمل کنند مانعی برای خواندن و مطالعه نیستند بلکه گزیده‌خواندن، خوب و بهتر خواندن و عمیق خواندن را برای افراد به‌ویژه کودکان به ارمغان می‌آورند و این هرچند ممکن است سبب کاهش خواندن از نظر کمی شود، ولی به‌طور قطع از نظر کیفی سبب رشد و اعتلای سطح مطالعه خواهد شد. در آخر باید یادآوری کرد که برای شکل‌گیری عادت به مطالعه در کودکان باید نهادهای مختلفی مانند خانواده، مدرسه، کتابخانه‌های عمومی و سایر رسانه‌های جمعی هم‌سو و هم‌هدف به این سمت و سو حرکت کنند، حرکتی که زنجیروار باشد، در این صورت است که افرادی پویا و جامعه‌ای زنده و بالنده خواهیم داشت.

کتابداران کتابخانه‌ها، از عوامل مؤثر در ترویج فرهنگ مطالعه و کتابخوانی به‌شمار می‌روند. کتابداران با روش‌های خلاقانه خود می‌توانند فعالیت‌های کتابخوانی را رشد داده و حتی به حوزه‌های بیرون از کتابخانه بکشانند. اگر کتابداران کتابخانه‌ها از حیث علم کتابداری و اخلاق انسانی، رشد کاملی داشته باشند، بدون تردید، همچون معلمان و استادان جامعه، معماران نسل‌های آینده بشر خواهند بود.

دکتر مهدی افضلی، دکترای مدیریت اطلاعات و کتابداری، در مورد نقش کتابداران و کتابخانه‌ها، تصریح کرد:



## دولت به‌عنوان متولی بسیاری از امور فرهنگی، با دراختیارداشتن رسانه‌های گروهی، سازمان‌ها و نهادهای دخیل، و با سیاست‌گذاری‌های دقیق، نقش بسزایی در ایجاد فرهنگ مطالعه می‌تواند، ایفا کند.

کتابخانه با شرایط و نیازهای مراجعان، نداشتن فعالیت‌های جانبی مانند مسابقات کتابخوانی، قصه‌گویی، نمایش فیلم، بی‌توجهی به دل‌انگیزسازی فضای کتابخانه و چیدمان تجهیزات و ناکافی بودن سالن‌های مطالعه در کتابخانه‌های عمومی، اشاره نمود.

برخی از صاحب‌نظران معتقدند که توجه به استانداردهای موجود در راه‌اندازی و ایجاد کتابخانه‌های عمومی و مجهز نمودن آنها به کتاب‌های جدید و به روز، تجدیدنظر در شیوه مجموعه‌سازی و انتخاب کتاب برای کتابخانه‌های عمومی، برگزاری جلسات

نقد و بررسی کتاب با حضور نویسندگان و اعضای کتابخانه‌ها، برگزاری برنامه‌های جنبی از قبیل مسابقات کتابخوانی، قصه‌گویی، شب شعر، نمایش فیلم، جهت جذب مراجعین، غنی کردن بخش مرجع کتاب‌های عمومی و استخدام کتابداران مرجع، جهت پاسخگویی به پرسش‌های علمی مراجعین، توسعه و گسترش فضاهای مناسب مطالعه در کتابخانه‌ها، ایجاد ارتباط و هماهنگی با مدارس جهت بازدید دانش‌آموزان از کتابخانه‌ها و حضور کتابداران کتابخانه‌های عمومی در مدارس و تشریح خدمات و فعالیت‌های کتابخانه، از راهکارهای ارتقاء فرهنگ مطالعه و کتابخوانی توسط کتابداران و کتابخانه‌ها می‌باشد.

مهدی جلیل خانی، کتابخوان برتر کشور از استان زنجان در سال ۱۳۸۵، درخصوص نقش کتابداران، خاطرنشان ساخت: هرگاه که کتاب در دسترس مردم قرار گرفته و بهره‌مندی از آن به شکل آسان‌تری انجام یافته، خواننده خود را نیز پیدا کرده است؛ چرا که لذت کتابخوانی و کشف فضاهای تازه، همواره برای همگان جذابیت داشته است. بنابراین همواره نقش کتابخانه‌ها و کتابداران در دسترسی آسان به منابع کتابخانه‌ای مهم و قابل توجه ارزیابی می‌شود. از طرفی، سیاست‌های دولت و حاکمیت نیز باید به نحوی باشد که دسترسی و پخش گسترده کتاب را در اولویت قرار دهد. در این روند، قیمت، شکل و شمایل و محتوای کتاب، همه و همه در سطر دوم از اهمیت قرار دارند.

### **نقش دولت و رسانه‌های گروهی**

شیوه حکومت و همچنین شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه، نقش بزرگ و غیرقابل‌انکاری در ترویج فرهنگ مطالعه و کتابخوانی دارند. در این زمینه نقش فرهنگ، سنت‌های اجتماعی و متولیان فرهنگی بیش از همه مهم و حیاتی جلوه می‌کند.

توسعه فرهنگ مطالعه و کتابخوانی، یک عزم همگانی را می‌طلبد ولی سهم دولت

نیز بسیار مهم است. در سال‌های اخیر، از طریق نهادهای دولتی، اقدامات مهمی در این خصوص صورت گرفته ولی کارهایی که ما با شتاب بیشتری دنبال کرده‌ایم، برگزاری نمایشگاه‌های کتاب در سطح ملی و استانی، اهدای جوایز ادبی، اهدای کتاب، دادن بن‌های کتاب و توجه به زیرساخت‌های لازم برای امر کتابخوانی بوده است. از طرفی توقعات عمومی از وزارت ارشاد نیز بیش از حد بوده است؛ زیرا دستگاه‌های دیگری نیز در این مهم، سهیم هستند. باید نهادهای دولتی و غیردولتی، چون شهرداری‌ها، در اختصاص هرچه سریع‌تر بودجه نیم‌درصدی به کتابخانه‌های عمومی و تأمین اعتبارات لازم جهت خرید کتاب و ایجاد فضای لازم کتابخانه‌ها، اقدام نمایند. از طرفی دولت باید بنیان‌های فرهنگی را در استان‌های محروم، تقویت کند تا به سطح مطلوب برسند. زیرا توجه لازم به این مقوله سبب رسیدن جامعه به سطح ایدئال فرهنگی می‌شود.

در تمام کشورهای جهان این کنترل‌ها، وجود دارد. به نظر می‌رسد، نهایت آسان‌گیری در ایران در بررسی کتاب‌ها صورت می‌گیرد. دغدغه ما این است که روند اخذ مجوز را باز هم سریع‌تر و آسان‌تر نماییم و تلاشمان بر این بوده که اطمینان لازم را در اداره کل ارشاد ایجاد نماییم تا به‌صورت استانی مجوزها صادر شده و نیازی به مراجعه جهت اخذ مجوز و مراجعت به تهران نباشد.

دولت به‌عنوان متولی بسیاری از امور فرهنگی، با دراختیارداشتن رسانه‌های گروهی، سازمان‌ها و نهادهای دخیل، و با سیاست‌گذاری‌های دقیق، نقش بسزایی در ایجاد فرهنگ مطالعه می‌تواند، ایفا کند.

### **کتابخوانی انتقال‌دهنده و رکن مهم ارتباط بین ملت**

از صداوسیما انتظار می‌رود که حداقل در یک سریال پربیننده، کتابخوانی، خرید کتاب یا هدیه‌دادن کتاب را بگنجانند. برگزاری جلسات نقد و بررسی کتاب، اعلام ساعات کار کتابخانه، اعلام اخبار مربوط



به کتاب و معرفی نویسندگان می‌تواند در برنامه‌های صداوسیما، گنجانده شود تا گامی برای گسترش فرهنگ مطالعه در جامعه باشد. مسئولین امر باید بدانند که کمبودهای حوزه مطالعه، فقط با یک نمایشگاه کتاب به مدت ده روز، برطرف نمی‌شود.

### نقش رسانه در میزان مطالعه در جامعه

رسانه‌های گروهی چون رادیو و تلویزیون، به جز محدود برنامه‌هایی که آن هم گاهاً پخش می‌کنند، دیگر هیچ پوششی در جهت گسترش فرهنگ کتابخوانی نمی‌دهند. شاید بیشترین بار در حوزه رسانه بر دوش نشریات باشد، اما آنها نیز توان تحریک مخاطبین فرهیخته را نداشته‌اند. این مخاطبین نیازمند مطالب غنی‌تر و پربارتری هستند. باید شاهد انعکاس جلسات نقد و بررسی کتاب، آمار دقیق کتابخانه‌ها و کتاب‌فروشی‌ها و علاوه بر آن حرکت‌های مختلف دولتی و غیردولتی در زمینه کتاب و کتابخوانی برای گسترش فرهنگ مطالعه، در نشریات باشیم.

گروه‌های مرجع چون نویسندگان، علما، صاحب‌نظران و تمام کسانی که می‌توانند نقش هدایت جمعی را در جامعه در زمینه مطالعه برعهده بگیرند، باید از کانال‌های رسانه‌ای به مخاطبین، اطلاعات لازم را برسانند. علاوه بر این مردم نمی‌دانند که چگونه بخوانند و چه بخوانند. تقویت رسانه‌ها، در نهایت به بهبود وضعیت نابسامان مطالعه در کشور می‌انجامد.

### نقش ناشران و کتاب‌فروشی‌ها

ناشران و کتاب‌فروشی‌ها هم به نوبه خود نقش بسیار مؤثری در اشاعه فرهنگ کتابخوانی ایفا می‌کنند. میزان توجه ناشران به تمایلات و نیازهای خوانندگان، استانداردهای چاپ و نشر و همچنین گسترش قلمرو نمایش و توزیع کتاب توسط کتاب‌فروشی‌ها از جمله عوامل اثرگذاری در گرایش مردم به سمت مطالعه می‌باشد. کیفیت برتر کتاب، اعم از جذابیت ظاهری، نحوه صفحه‌آرایی و حروف‌چینی، شیوه طراحی و رنگ‌آمیزی، تصاویر روی جلد و

درون متن، حجم، قطع و کیفیت چاپ و صحافی و همچنین ویژگی‌های محتوایی و مسائل مربوط به ویراستاری کتاب از جمله مواردی است که پیوسته باید مدنظر ناشران، نویسندگان، ویراستاران و به‌طور کلی متولیان عرصه چاپ و نشر قرار بگیرد. فتاح محمدی، مدیرمسئول نشر هزاره سوم، در توضیح نقش ناشران در گسترش فرهنگ مطالعه، اذعان داشت: توجه به کتاب، در سال‌های اخیر، در سطح کشور، بسیار کم شده است. باید نیاز به مطالعه، در میان مردم ایجاد شود تا آنها به دنبال کتب موردنیاز خود بروند. از طرفی جذب مخاطب با کمک گرفتن از عناوین فریبنده برای کتاب‌ها چون: چگونه پولدار شویم، چگونه موفق شویم و یا کلمات قصار بزرگان، را نمی‌توان به پای گسترش مطالعه در بین مردم گذاشت؛ زیرا این کتاب‌ها ارزش مطالعه ندارند و خواندن آنها اتلاف وقت است. به صورت کلی ناشران باید، رسالت فرهنگی خویش را در نشر و توزیع کتب سودمند در جامعه، پاس دارند و به جای فکرکردن صرف به پول، کمی هم به فرهنگ جامعه فکر کنند.

بی‌سوادی و کم‌سوادی افراد، نارسایی نظام آموزشی، بی‌توجهی دولت و رسانه‌های گروهی به امر مطالعه، ناکافی بودن کتابخانه‌های مجهز و کتابداران متخصص، گرانی کتاب و مشکلات اقتصادی، تعدد مشاغل و محدودیت ساعات فراغت افراد، بی‌توجهی ناشران و مؤلفان به نیازهای مختلف مخاطبان در تهیه و تولید کتاب به طور کلی، شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ایران، باعث بی‌علاقگی افراد به کتاب و عدم ترویج و گسترش آن شده است.

شهین رومی، مدیر مسئول انتشارات نیکان کتاب زنجان، ضمن مهم دانستن دو عامل، موضوع کتاب و میزان آگاهی مخاطب، در نشر کتاب، ابراز داشت: کتاب فروش هم مانند کتابدار باید از موضوع کتاب و سطح آگاهی مخاطب، اطلاع کافی داشته باشد تا کالای فرهنگی مناسبی را برای کتابخوان‌ها، آماده کند. گزینش

ترجمه مناسب برای انتشار و دقت در انتخاب سن مخاطب‌های کتاب نیز بر عهده ناشران می‌باشد. اخذ مجوز برای نشر کتاب‌ها، گاه بسیار طولانی می‌شود و این امر، ناشر را از ادامه فعالیت بازمی‌دارد. از طرفی هم بالا رفتن هزینه‌های چاپ، به معضلی در این حوزه بدل شده است. البته نباید خرید کتاب از طرف نهادهای دولتی از ناشران را در بهبود شرایط و جبران هزینه مالی آنها، نادیده گیریم.

علاوه بر این، باید به این امر نیز توجه داشت که متأسفانه در ایران، ارتباط ارگانیک بین نویسنده، تصویرگر و ناشر، برقرار نیست. اغلب، نویسنده متن را در اختیار ناشر می‌گذارد و ناشر به دلایلی از جمله صرفه‌جویی در هزینه، کاستن از زمان تهیه نقاشی‌ها و همچنین ناآشنایی با تمایلات مخاطب و دلایل دیگر، کتابی عرضه می‌نماید که موردپسند قرار نمی‌گیرد یا جنبه‌های علمی و تربیتی و تأثیر آن بر خواننده، لحاظ نمی‌شود. این امر در نهایت منجر به کتاب‌گریزی و مخاطب‌گریزی در جامعه می‌شود.

### مطالعات فرهنگی

مطالعات فرهنگی، مجموعه‌ای آثار گوناگونی با جهت‌گیری‌های متفاوت، و معطوف به تحلیل انتقادی اشکال و فرایندهای فرهنگی در جوامع معاصر و نزدیک به معاصر است.

مطالعات فرهنگی، جامعه‌شناسی، نظریه اجتماعی، نظریه ادبی، مطالعات فیلم/ ویدئو، انسان‌شناسی فرهنگی و تاریخ/ نقد هنر را برای مطالعه پدیده‌های فرهنگی در جوامع صنعتی ترکیب می‌کند. پژوهشگران مطالعات فرهنگی اغلب بر این موضوع متمرکزند که چطور پدیده‌ای خاص به ایدئولوژی، نژاد، طبقه اجتماعی و/یا جنسیت مرتبط می‌شود.

مطالعات فرهنگی در مطالعه معانی و رویه‌های زندگی روزمره به‌کار می‌رود. رویه‌های فرهنگی شامل روش‌های مردم برای انجام کارهای خاص (مثل تلویزیون تماشاکردن یا غذاخوردن) در فرهنگی معین است. معانی خاص به روش‌هایی که



مردم در فرهنگ‌های معیّت کارهایی را انجام می‌دهند، پیوسته می‌باشد.

در استفاده‌ای عام‌تر ولی جداگانه، عبارت مطالعات فرهنگی گاهی به مثابه مترادف غیردقیق مطالعات منطقه‌ای هم به کار می‌رود؛ یعنی مطالعه آکادمیک فرهنگ‌های خاص در دیپارتمان‌ها و برنامه‌های درسی مثل مطالعات اسلامی، مطالعات آسیایی، مطالعات آفریقایی‌های آمریکا، مطالعات آفریقایی و ...

در کتاب **معرفی مطالعات فرهنگی**، ضیاءالدین سردار، پنج ویژگی مطالعات فرهنگی را فهرست می‌کند:

هدف مطالعات فرهنگی، واریسی موضوعات با استفاده از اصطلاحات مرتبط با رویه‌های فرهنگی و نسبتشان با قدرت است.

هدف، فهم فرهنگ در تمام اشکال پیچیده آن و تحلیل زمینه‌های سیاسی و اجتماعی‌ست که فرهنگ خودش را در آنها نشان می‌دهد.

موقعیت و هدف این رشته، هم نقد و هم عمل سیاسی‌ست.

تلاش می‌کند تقسیم دانش را برای چیرگی بر شکاف بین اشکال ضمنی (دانش فرهنگی) و عینی (جهانی) دانش، روشن سازد و دوباره وفق دهد.

مطالعات فرهنگی، به ارزیابی اخلاقی جامعه مدرن و جبهه رادیکال عمل سیاسی، متعهد است.

بسیاری از چهره‌های شناخته‌شده و مطرح در مطالعات فرهنگی، جهت‌گیری‌های متنوع و تا اندازه‌ای متفاوت نسبت به

موضوعات مورد نظر خود دارند و طیف گسترده‌ای از نویسندگان و متفکران را شامل می‌شوند. همه اینها در پی نابسندگی رشته‌های آکادمیک موجود، به بعضی تفاوت‌های طبقاتی و منطقه‌ای و بعضی اشکال نوین فرهنگ عامه، فرهنگ جوانان و ضدفرهنگ‌ها، و نیز، اشکال فراگیر رسانه، تبلیغات، موسیقی و ... علاقه‌مند شدند.

### **اصلاح نظام اطلاع‌رسانی، یا ترویج فرهنگ مطالعه و تحقیق؟**

سال‌هاست که از مشکلات موجود در نظام اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های کشور صحبت می‌شود. و این امر، به‌عنوان مانع اصلی برای پیشرفت روند تحقیق و پژوهش معرفی

#### مطالعه یکی از بهترین

#### ایزارهای تعلیم و تربیت

#### مدرن است که یک کتاب در

#### روح فرد می‌گذارد از آثار

#### دیگر رسانه‌ها عمیق‌تر

#### و ریشه‌دارتر می‌باشد و

#### گاهی شخصیت فرد را

#### دگرگون می‌کند و جای بسی

#### خوشحالی است که با وجود

#### همه جانبه وسایل ارتباط

#### جمعی کتاب هنوز جایگاه

#### ویژه‌ای در دنیای امروز دارد

می‌گردد. مقالات فراوان اما پراکنده‌ای در این زمینه، در نشریات مختلف به نگارش درآمده و حتی در سمینارهای چندی مانند: سمینار کتاب و کتابداری در سال ۱۳۶۰ در دانشگاه مشهد، سمینار کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی در سال ۱۳۶۷ در دانشگاه علوم پزشکی مشهد، سمینار کاربردی مراکز و سازمان‌های پژوهش فرهنگی و اطلاع‌رسانی در سال ۱۳۶۹ در تهران (توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، سمینار کتابداری در سال ۱۳۷۱ در دانشگاه مشهد، و ... برگزار گردیده؛ اما مشکلات همچنان به قوت خود باقی است و چه‌بسا بیشتر هم شده است. دلیل عمده این وضعیت، آن است که ضعف در سیستم اطلاع‌رسانی، خود نه تنها مسئله اصلی محسوب نمی‌شود؛ بلکه صرفاً یک معلول است و مشکل در درجه اول، نه از مراکز اطلاع‌رسانی، که از ضعف در فرهنگ مطالعه و تحقیق در جامعه ما نشأت می‌گیرد و کمی و کاستی‌ها ریشه در آن دارد. و در واقع، همین نکته مهم است که باید در ابتدا مورد توجه قرار گیرد. در این مقاله، سعی شده است ریشه‌های ضعف در فرهنگ مطالعه و تحقیق و ارتباط آن با نظام اطلاع‌رسانی مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

با توجه به نیاز و تقاضا، عرضه کتابخانه‌های ما بسیار خوب بوده و در حد کاملاً قابل قبولی است! ما از جهت کمبود کتابخانه و مراکز اطلاعاتی و منابع تحقیق ابداً مشکل نداریم! این همه شکوه‌ها از کمبود، بدون توجه به نیاز مراجعان و



مقتضیان اطلاعات از کتابخانه‌ها نوشته شده و اصلاً درد دل واقعی اکثریت قریب به اتفاق جامعه ما نیست؛ بلکه همه دردهای فرضی است- دردهایی که نه مال مردم بلکه مال نویسندگان این مقاله‌هاست و شاید هم مال خود آنها نباشد؛ بلکه به نیابت و با تصور ذهنی از خواست مردم، چنین مطالبی را به نگارش درآورده‌اند! اصولاً کتابخانه‌های ما، در عرصه عرضه و تقاضا گاهی حتی بیش از تقاضا و نیاز عرضه کرده‌اند، به خاطر همین مسئله اگر از دیدگاه اقتصادی صرف به آن نگاه کنیم اسراف هم کرده‌اند، به جای آنکه متهم به تعلل و رکود شوند به ولخرجی و عرضه بیش از نیاز هم متهم هستند!

از بیان حقایق فوق آن هم از یک آشنای با کتابخانه‌های امروز، تعجب نکنید و به شگفت نیابید، زیرا اگر از لایه اظهار نظرهای رایج و کلاسیک و یک شکل- که بارها و بارها شنیده‌ایم و هیچ کدام هم مشکلی را حل نکرده- بگذریم و به عمق واقعیات برسیم، از چنین ادعایی دیگر تعجب نخواهیم کرد. و چگونه تعجب کنیم که: به عیان می‌بینیم میلیون‌ها دانش‌آموز درس می‌خوانند و دیپلم می‌گیرند، بدون آنکه نیازی به مراجعه به کتابخانه‌ای داشته باشند. هزاران آموزگار و دبیر همه روزه تدریس می‌کنند، بدون آنکه سالی یک‌بار از کتابخانه‌ای گذر کنند. صدها هزار دیپلمه، هر سال در کنکور دانشگاه‌ها شرکت می‌کنند و هزاران نفر از آنها نیز در امتحانات آن قبول می‌شوند، در حالیکه اکثریت آنها حتی در تمام عمرشان از کتابخانه‌ای استفاده نکرده‌اند. هزاران دانشجو در دانشگاه‌های کشور مشغول تحصیل‌اند که اکثر آنها با کتابخانه کاری ندارند و آنهایی هم که مراجعه می‌کنند، یا برای خواندن جزوه درسی شخصی است، و یا برای استفاده از چند کتاب محدود درسی که به وفور و به تعداد مکرر در کتابخانه دانشکده موجود است. این جریان، حتی به شکلی در میان استادان دانشگاه‌ها- اگر که از استثناء نمی‌تواند به‌عنوان قاعده به

حساب آید- نیز کم و بیش دیده می‌شود. اینجانب خود، بارها شاهد بوده‌ام که برخی از اعضای هیئت علمی، پس از پا فشاری زیاد برای سفارش و خرید سریع نشریه و یا کتابی علمی از خارج توسط کتابخانه، پس از رسیدن آن، خود هیچ‌گاه به سراغ آن نیامده‌اند- تا چه رسد به دیگران! و در چنین اوضاع و احوالی، نه تنها دانشجویان با الفبای تحقیق آشنایی ندارند؛ بلکه حتی کم نیستند استنادی که آنها نیز با امر تحقیق بیگانه‌اند.

با این اوصاف، آیا هنوز باید بگوییم که کتابخانه‌های ما مشکل دارند؟ میزان مراجعه باسوادان ما به مراکز اطلاع‌رسانی اینچنین است. بیسوادان- که اکثریت افراد جامعه را تشکیل می‌دهند- که واقعاً نمی‌توانند کاری با کتابخانه داشته باشند.

زمانی که می‌بینیم دانشگاه‌هایی حتی بدون داشتن کتابخانه شروع به کار می‌کنند، دانشجو آموزش می‌دهند، باید قبول کنیم که اگر بالاترین مراکز آموزشی به این نحو از خدمات کتابخانه‌ای و کتابخانه بی‌نیازند، ما کتابداران یا دست‌اندرکاران مراکز اطلاع‌رسانی به‌منزله کاسه‌های داغ‌تر از آتش خواهیم بود. اگر سخن از کمبودها و کاستی‌های آن به میان آوریم و ناله و شکوه سر دهیم و بیخود نیست که کسی هم به این انتقادات توجه نمی‌کند و اصلاً گوش شنوایی برای آن پیدا نمی‌شود و به عبارت دیگر، خود می‌گوییم و خود هم می‌شنویم و سخن فراتر از این هم نمی‌رود.

مگر غیر از این است که ما آشنایان با امور کتابخانه، چه بسا دیده‌ایم حتی زمانی که تنها متخصص امور اطلاع‌رسانی و کتابداری یک دانشگاه- که عهده‌دار و مسئول اداره کتابخانه‌های آن بوده- بدون دلیلی توسط مسئولان دانشگاه برکنار می‌شود و فردی کاملاً ناآشنا و بدون اطلاع از این فن به جایش گذاشته می‌شود. اصلاً آب از آب تکان نمی‌خورد؛ نه کوچکترین خللی، در امر آموزش دانشگاه به‌وجود می‌آورد و نه کمترین ضایعه‌ای در امر

پژوهش (اگر که واقعاً وجود داشته باشد)؛ نه دانشجویی متوجه این تغییر می‌شود و نه حتی استادی دچار مشکل می‌گردد. و اینچنین است که، بودجه فراوانی که صرف تأسیس و راه‌اندازی این کتابخانه‌ها، از جهت ساختمان و تجهیزات، حقوق پرسنل، خرید مواد و منابع و... می‌شود (حتی در حد موجود)، اکثراً هرز می‌رود و بازدهش، بسیار کمتر از سرمایه‌گذاری برای آن است.

بنابراین، مشکل بنیادی را، نه در نظام اطلاع‌رسانی، بلکه در پدیده دیگری که علت آن محسوب می‌شود، یعنی فرهنگ مطالعه و تحقیق در جامعه، باید جست‌وجو نمود که منشأ همه مشکلات در این زمینه است. زیرا که اگر کم‌کاری کبد به‌صورت لک صورت پدیدار گردد، راه معالجه آن استفاده از کرم ضدلک نیست؛ بلکه چاره اساسی رفع مشکل کبد است.

در زمان ما، علی‌رغم کوشش‌های گوناگونی که برای باسواد کردن مردم صورت می‌گیرد، هنوز خیل عظیمی از مردم کشور ما را افراد بی‌سواد تشکیل می‌دهد. تمدن امروز رشد اجتماعی را به مقیاس وسیع مدیون سطح دانش عمومی می‌پندارد. بر اساس این باور نسبت باسوادی جمعیت به‌عنوان یکی از مظاهر پیشرفت مورد توجه است... خواندن و نوشتن اولین و ساده‌ترین وسیله رشد فکری است و تعمیم آن منشأ رشد و توسعه اجتماعی است. آنجا که بیسوادی، به‌صورت پدیده غالب، اکثریت افراد جامعه را دربر می‌گیرد، بی‌خبری نیز مشخص‌ترین ویژگی جمعی است و در بی‌خبری، هیچگونه رشد و تعالی نمی‌توان یافت... در دنیای امروز، نسبت باسوادی جامعه به‌عنوان یکی از شاخص‌های رشد و توسعه شناخته می‌شود.

بعد از مشکل بزرگ بی‌سوادی، مشکل نوسوادان به چشم می‌خورد. این گروه که با زحمات زیاد و صرف بودجه‌ای قابل توجه، در جریان سووادآموزی، خواندن و نوشتن را یاد می‌گیرند، عملاً مواد خواندنی مورد نیاز خود را در اختیار ندارند و اگر پس

از گذشت زمان، آنچه را که یاد گرفته‌اند فراموش نکنند، حداقل در جرگه کسانی قرار می‌گیرند که دارای سوادی مرده و غیرقابل تحرک‌اند و آن‌طور که انتظار می‌رود از این سواد بهره‌ای نخواهند برد. از طرفی در طبقه باسواد و تحصیلکرده نیز، همان‌طور که اشاره شد، نه اقبالی جدی به مطالعه وجود دارد و نه احساس نیاز و نه عادت به آن. و این در حالی است که ما در عصر اطلاعات زندگی می‌کنیم. اطلاعات تولیدشده در جهان، به قدری زیاد است که ما را با انفجار اطلاعات، آلودگی اطلاعات و رشد بیش از حد اطلاعات مواجه ساخته است. تخمین زده می‌شود که هر ساله تنها نزدیک به ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار گزارش تحقیق در دنیا منتشر می‌شود و این رشد شتابان، همچنان ادامه دارد. چکیده نوشته‌های مربوط به علوم شیمی Chemical Abstract قریب ۴۵۰/۰۰۰ قلم در هر سال است. چکیده نوشته‌های علوم زیستی Biological Abst ۲۵۰/۰۰۰، چکیده نوشته‌های مربوط به علوم فیزیک Physics Anstracts ۱۶۵/۰۰۰، چکیده نوشته‌های علوم مهندسی Engineer- ing Index به حدود ۱۰۵/۰۰۰ در سال می‌رسد در هر سال فقط در زمینه علوم و تکنولوژی متجاوز از یک میلیون و پانصد هزار مقاله معتبر، در پنجاه و پنج هزار نشریه ادواری منتشر می‌شود. عصر ما را دوران انفجار انتشارات و انقلاب اطلاعات می‌خوانند. پیشقروالان این عصر جدید، محققان، نویسندگان، مترجمان، ناشران، کارگزاران و متخصصان چاپ، متخصصان ارتباطات و کامپیوتر و همچنین کتابداران دکومانتالیست‌ها، اطلاع‌رسانان و آرشیویست‌ها هستند. سرمایه و نیروی فکر و کار بسیار زیادی برای سازماندهی، انباشت و بازیابی اطلاعات صرف می‌گردد. تا آنجا که شاخص عقب‌ماندگی و پیشرفت جوامع بشری از میزان درآمد سرانه، به میزان اطلاعات سازمان‌یافته و قابل دسترسی در جامعه تبدیل شده است. در استفاده از اطلاعات از همه مهمتر آماده‌سازی محیط اجتماعی- فرهنگی و

آموزش افراد است که نباید از آن غافل ماند.

بنابراین، در چنین شرایطی از زمان، با توجه به گسترش و اهمیت روزافزون اطلاعات علمی و نیاز به استفاده از آن، و برای آماده‌کردن و مستعدنمودن زمینه بهره‌وری از این اطلاعات، و ایجاد احساس نیاز واقعی به آن، قبل از همه به یک برنامه‌ریزی وسیع و حساب‌شده در جهت ترویج فرهنگ مطالعه و تحقیق نیاز داریم که در اینجا، فقط به صورت بسیار مختصر و فهرست‌وار، به رئوس آن اشاره می‌شود:

الف) انجام تغییرات لازم در نظام آموزشی مدارس، بدان‌گونه که مطالعه کتاب‌های جنبی و انجام تحقیقات ابتدایی جزو برنامه موظف درسی دانش‌آموزان قرار گیرد. و در این ارتباط، کتاب‌های سودمند مناسبی در زمینه‌های موضوعی متنوع به‌طور گسترده و با استفاده از آخرین روش‌ها و تکنیک‌های فنی و علمی برای هر سطح و هر کلاس، تألیف و انتشار یافته و در کتابخانه هر مدرسه در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد؛

ب) آموزش روش‌های ساده و عملی کتابداری به کتابدار-معلم‌های تمامی مدارس هر شهر و منطقه، در خلال تعطیلات تابستان؛

ج) روش استفاده از کتاب و کتابخانه و انجام تحقیقات ابتدایی، به‌عنوان یک کتاب درسی تدوین و به دانش‌آموزان ارائه شده و برای هر درس تعیین گردد. و در این میان، کوشش به عمل آید که با استفاده از تجربیات علمی، دانش آموز نه فقط یک کار اجباری و موظف درسی، بلکه با علاقه و انگیزه به مطالعه و تحقیق روآور گردد؛

د) به امر تحقیق و پژوهش در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی توجه بسیار جدی‌تر مبذول، و برنامه‌های موظف تحقیقاتی و نیز درس آشنایی با کتابخانه و روش تحقیق در برنامه درسی کلیه رشته‌های دانشگاه گنجانیده شود؛

ه) برای نظام تحقیقات در کشور، با جمع‌آوری و استفاده از نظریات و تجربیات کلیه محققان و پژوهشگران، در طی

سمینارهای تخصصی و مستمر و جدی و با پشتوانه اجرایی، برنامه‌ریزی جامع و مدونی به عمل آمده تا بدان وسیله:

۱. اولویت‌ها را در این زمینه شناسایی و معرفی نماید.

۲. مانع کارهای تکراری و موازی در تحقق گردد.

۳. مشوق تحقیق و پژوهش و رواج فرهنگ آن شود.

۴. شبکه‌ای منسجم و فعال در امر پژوهش را پایه‌گذاری نماید.

۵. با رشد و شکوفایی تحقیق و پژوهش و در نتیجه ایجاد نیاز روزافزون و واقعی به مراکز اطلاع‌رسانی، هم‌زمان به‌طور جدی به گسترش این مراکز اقدام نموده و برای رفع مشکلات آنها در جهت ارائه خدمات مورد تقاضا به پژوهشگران چاره‌اندیشی اساسی نماید.

۶. از آنجا که در اکثر رشته‌ها هرگونه پژوهش بنیادی، به اطلاعات وسیع در سطح جهانی نیاز دارد با استفاده از تکنولوژی پیشرفته اطلاع‌رسانی، ارتباط محققان داخلی را با آخرین فعالیت‌های انجام شده و داده‌های علمی در آن زمینه در دنیا برقرار نماید.

۷. رهبری و ترویج امر پژوهش و حمایت از پژوهشگران را با فراهم‌آوردن امکانات تحقیق به جای مدرک‌گرایی در دانشگاه‌ها و به‌طور کلی ایجاد انگیزه‌های لازم برای انجام پژوهش در میان جامعه تحصیلکرده مملکت، بر عهده گیرد.

۸. و بالاخره با انتشار مرتب نشریات نقد کتاب و آثار تحقیقی، معرفی و تشویق فعالیت‌های پیشرفته پژوهشی، اخبار و رویدادهای پژوهشی و... علاقه‌مندان به تحقیق را در جریان اینگونه مسائل قرار دهد.

و در پایان، چکیده عرایضم را به‌طور خلاصه در این بیت شعر بیان می‌کنم که:

آب کم جو تشنگی آور به دست

تا بجوشد آبت از بالاو پست

موجودیت کتابخانه و کتاب در منازل، علاوه بر اینکه برای بزرگان خانواده گنجینه گرانبه‌ایست بلکه در رشد استعداد



مطالعه در زندگی  
انسان نقش و جایگاه  
بسیار والایی دارد و  
در این زمینه کتاب‌های  
بی‌شماری نوشته شده  
و گفته‌های زیادی بیان  
گردیده است، به‌خصوص  
در مورد کسانی که در  
حال تحصیل علم و دانش  
بوده و خود را برای یک  
زندگی مفید برای خود و  
دیگران و نیز شهروندی  
رشد یافته و مؤثر آماده  
می‌کنند.

ارقام موجود در جامعه ما از موقعیت جالبی برخوردار نیست و بطریقین باید بگویم مسئولین آن چنانکه باید به این مسئله اهمیت نمی‌دهند.

مشکل فرهنگی یا به عبارتی افت فرهنگی معمول ملت‌های بسیاری است و امروزه هر فردی به نوبه خود بار سنگین مسئولین این معضل را به دوش یکی از سه ضلع مثلث (ناشران - دولت - خریداران کتاب) می‌اندازد. در صورتی که باید به دنبال راه حل مناسب بود تا بتوان این مسئله جدی را به‌طور کامل حل نمود. بیشتر افراد می‌دانند که کتاب مهمترین

در حال برنامه‌ریزی یا اجرا دارد تا بتواند به ایجاد و توسعه فرهنگ صحیح مطالعه و همین‌طور مطالعه صحیح در جامعه یاری رساند.

#### مطالعه چیست؟

مطالعه و کسب علم و دانش زیربنا و زمینه‌ساز توسعه و پیشرفت کشور و راهگشای بهروزی - سعادت‌مندی و فرزندی جامعه و انسان‌هاست. مطالعه دو جنبه را دربر می‌گیرد:

۱- کمی

۲- کیفی

کمی شامل مدت زمان مطالعه و مقدار مطالعه انجام شده در زمان مشخص است. کیفی شامل مقدار یادگیری مطالب - به‌خاطر سپاری - تجزیه و تحلیل - بسط معنایی و کاربردها و ...

اگر کتاب را دریچه‌ای بسوی جهان علم و معرفت بدانیم، مطالعه راهی است برای پرورش استعدادهای خداداد انسانی که او را در مسیر رشد و تکامل راهنمایی می‌کند. پرواضح است که پیشرفت کشورهای مرفقی مدیون مطالعه و کتابخوانی آنهاست؛ چرا که کسی که به مطالعه اهمیت دهد به سطوح بالای علمی دست می‌یابد و این مسئله بر سرنوشت افراد تأثیر مثبتی خواهد گذاشت و نسل‌های بعدی را نیز بهره‌مند خواهد نمود و از آنجا که دانش و آگاهی انسان فطری نیست و بر اثر تجربه و مطالعه به‌دست خواهد آمد و می‌توان گفت اکتسابی است به‌همین دلیل نسل حاضر اطلاعاتی بر انوخته‌های پیشین می‌افزاید و برای آیندگان به جا می‌گذارد و اینجاست که نقش و اهمیت مقوله‌ای به‌نام کتاب نمایان می‌گردد.

از میزان کتابخوان‌ها - نحوه کتابخوانی - تعداد کتابخانه‌های عمومی - تعداد کتاب‌های به‌چاپ‌رسیده میزان کتاب خریداری شده توسط مردم و مقدار وقتی که صرف مطالعه می‌کنند می‌توان پی برد که فرهنگ مطالعه در آن کشور در چه جایگاهی قرار دارد و از این طریق مسیر و جهت رشد و توسعه و یا افول ملتی را می‌توان مشاهده کرد و متأسفانه آمار و

اطفال هم مؤثر ثابت شده می‌تواند. افرادی که مطابق به ذوق و علاقه و استعداد خود کتاب مطالعه می‌کنند، می‌توانند به پیشرفت زیادی نایل آیند. مطالعه، انسان را از تمام انکشافات که در جهان صورت گرفته آگاه می‌سازد، با آن هم تعداد از مردم در مورد اهمیت کتاب و مطالعه توجه چندانی ندارند. باوجود اینکه یک تعداد مردم از رفتن به کتابخانه و مطالعه را ارزش نمی‌دهند اما تعداد دیگر مردم توانسته‌اند که با استفاده از مطالعه کتاب‌های مختلف، سود فراوان ببرند.

تعداد افراد و اشخاص، ضعف اقتصادی را مانع بزرگ در راه مطالعه و کتابخواندن‌شان می‌دانند در حالیکه تعداد دیگر با استفاده از راه‌ها و شیوه‌های مختلف توانسته‌اند مواد مطالعه را برای خود فراهم سازند.

لازم است گفته شود که وقتی به کتابخانه‌ها، جهت مطالعه می‌رویم، باید چند نکته مهم را در نظر گرفت: سکوت و خموشی فضای کتابخانه نباید اخلال شود، یعنی از ایجاد سروصدا باید جلوگیری کنیم و حتی صدای پاها و گام‌های ما نباید مزاحم مطالعه دیگران شود.

پس از داخل‌شدن در کتابخانه باید زنگ میایل خاموش شود. حین مطالعه باید خاموشانه مطالعه کرد و سرو صدای ورق‌زدن نباید دیگران را اذیت کند.

مطالعه در زندگی انسان نقش و جایگاه بسیار والایی دارد و در این زمینه کتاب‌های بی‌شماری نوشته شده و گفته‌های زیادی بیان گردیده است، به‌خصوص در مورد کسانی که در حال تحصیل علم و دانش بوده و خود را برای یک زندگی مفید برای خود و دیگران و نیز شهروندی رشد یافته و مؤثر آماده می‌کنند. آموزش و پرورش که یکی از متولیان اصلی تعلیم و تربیت در جامعه به حساب می‌آید در جهت گسترش فرهنگ مطالعه و وظیفه‌ای بس مهم و اساسی دارد که در راستای ادای این وظیفه برنامه‌ها و طرح‌های متعددی



برتری رشد فرهنگی هر کشور است و شاخص‌ترین وسیله برای انتقال افکار میان جوامع بشری در جهان محسوب می‌شود و تعداد مطالعه‌کنندگان هر کشوری میزان رشد عقلانی هر جامعه‌ای را نشان می‌دهد و روش بی‌نظیری است برای کسب معرفت درباره جهان و خود تا در لایه لای متون شرح جملات پاراگراف‌ها و انسان و دیگر چیزها به‌دست آورد.

گسترش فرهنگ مطالعه و کتابخوانی در جامعه ایران نیاز به آگاهی همه‌جانبه از مسائل و مشکلات موجود در این راه دارد فراموش نکنیم که مطالعه یکی از بهترین ابزارهای تعلیم و تربیت مدرن است که یک کتاب در روح فرد می‌گذارد از آثار دیگر رسانه‌ها عمیق‌تر و ریشه‌دارتر می‌باشد و گاهی شخصیت فرد را دگرگون می‌کند و جای بسی خوشحالی است که با وجود همه جنبه وسایل ارتباط جمعی کتاب هنوز جایگاه ویژه‌ای در دنیای امروز دارد و در بخش عظیمی از این کره خاکی وسیله تعلیم و تربیت به‌شمار می‌رود.

#### موانع و مشکلات موجود در راه مطالعه

گرفتاری مردم- ماشینی شدن زندگی و اسیربودن انسان‌ها در چنگال ماشین‌ها- توجه بیش از اندازه به امکانات صوتی و تصویری به جای آثار مکتوب- گرانی کتاب- متنوع نبودن آثارها- تعداد نسخ کم مطبوعات- نبودن برنامه‌های تبلیغاتی پیرامون کتاب- معرفی نشدن کتاب‌های جدید- ترجمه‌های نامناسب کتاب‌های خارجی بی‌حوصلگی نسبت به مطالعه- نبود کتابخانه در منزل- شرایط نامساعد آموزشی و پرورشی- وضعیت خاص رسانه‌ها و مطبوعات و ... .

و به‌طور کلی و خلاصه وجود مشکلات اقتصادی و فعال نبودن در زمینه تحقیقات مانع‌هایی هستند که باعث فاصله بین کتاب و کتابخوانی می‌شود و از آنجائیکه ماهواره، رایانه ویدئو و... در حال حاضر جایگاه ویژه‌ای را در روند آموزشی و یادگیری به خود اختصاص داده‌اند و به‌عنوان رسانه‌های آموزشی نقش گسترده‌ای در توسعه ساختاری و اجتماعی در میان جوامع

بشری و همچنین انتقال پیام فرهنگ و جلوه‌های غنی در ابعاد مثبت یا منفی پیدا کرده‌اند و تا حد زیادی رسانه‌های نوشتاری نظیر کتاب- مجلات و ... را تحت‌الشعاع قرار داده‌اند و به‌ظاهر توجه همگان را به خود جلب نموده‌اند.

اما با قدری تعمق خواهیم دانست که رسانه‌های مکتوب و در صدر آنها کتاب به لحاظ دارابودن ویژگی‌های خاص همچنان باصلاحت و استواری نقش تاریخی خود را در انتقال دانش و فرهنگ و هنر از نسلی به نسل دیگر حفظ کرده.

لذا باید دنبال روش‌های ترویج و اشاعه فرهنگ مطالعه بین آحاد جامعه بگردیم و روش‌های نوینی را که با خصوصیات نسل کنونی و مقتضیات زمانی ما مطابقت داشته باشد مورد شناسایی قرار دهیم.

در پایان با توجه به فرمایش اخیر مقام معظم رهبری، که اظهار می‌فرمایند: من هر زمانی که به یاد کتاب و وضع کتاب در جامعه خودمان می‌افتم، قلباً غمگین می‌شوم. باید در جهت رفع این مشکل بزرگ، مردم، دولت و تمام نهادها و ارگان‌ها، همگام با یکدیگر، به‌صورت جدی، وارد عمل شوند.

#### منابع و مأخذ

طاهری، محمد، مسائل آموزش و پرورش تهران: امیر کبیر (۱۳۶۴).  
مهدوی، محمدتقی (۱۳۶۸). مدیریت اطلاعات تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی.  
فضلنامه کتاب، نشریه کتابخانه ملی ایران، شماره اول (بهار ۱۳۶۹).

منبع: سایت باشگاه اندیشه.